

راهنمای زندگی در موزه

گفت‌وگو با حشمت کفیلی، باستان‌شناس و رئیس اداره پژوهش آثار موزه رضوی که در گردآوری اشیای قدیمی نقش بسزایی داشته است

۲



عکس: سمانه صفایی امیرآرا

راوی تاریخ روح انسانی

نگاهی به کتاب «نیایش چرنوبیل»



تاج‌ماه بیگم

بانویی از تبار فرزندانگان

وقفه سنت‌سنه‌ای است که از دیرباز به اشکال گوناگون در تاریخ بشر وجود داشته و اسلام آن را در مسیری روشن، منطقی، هدف‌دار، مترقی و دقیق نهاده است...



۳۱

شهر بانو



مقاومت زنان و نواحی ماندگار شمال خراسان

نواحی محلی که توسط بخشی‌ها و هنرمندان شمال خراسان حفظ و صیانت شده، دربردارنده مقام‌ها و نغمه‌هایی است که بر مبنای شور و عرفان پایه‌گذاری شده است. این موسیقی از گذشته تا کنون بر خاسته از سبک زندگی و باورهای فرهنگی مردم آن خطه و...

زنان و تجربه مادرانگی

یادداشت (دکتر محدثه جزایری)
نمیر انجمن علمی سبیلی شنبه خراسان



مفهوم «مادرانگی» یکی از مفاهیم مهم فلسفی و اجتماعی است که در یک چشم‌انداز گسترده، می‌تواند مسئله‌زایش و باروری در زنان را توضیح‌پذیر کند. واقعیت انکارناپذیر این است که از ابتدای خلقت انسان‌ها تا امروز، زنان با ویژگی‌های زیاده و باروری از مردان متمایز شده‌اند و به جرت می‌توان گفت مادر شدن تجربه‌ای ویژه و منحصر به زنان است که تأثیر عمیقی بر احساسات عاطفی آنان دارد. اما در حالی که مادر شدن یک وضعیت زیستی و منطبق با ماهیت زنان است، مادرانگی یک جامعه‌ای است که مادر وجود دارد؛ یعنی باورها و بنیادهاست‌هایی که در باره مادر شدن زنان وجود دارد و زندگی آن‌ها را از خود متأثر می‌سازد.

بنابر آمارهای جهانی ایران در ۲ دهه گذشته در زمره کشورهای بوده است که گامی اساسی در بهبود شاخص‌های سلامت مادران باردار و نوزدان برداشته است، این توجه به مادر بیولوژیک لزوماً همراه با اصلاح باورهای اجتماعی درباره مادرانگی زنان نبوده است. به عنوان مثال می‌توان این سؤال را مطرح کرد که زنان، به چه اندازه برای مادر شدن برنامه‌ریزی دارند. چه انتظارات و توقعی از مادر شدن دارند؟ متولیان فرهنگی تا چه اندازه الگوهای مادران موفق جامعه را معرفی کرده‌اند که زنان جوان بتوانند از تجربیاتشان در خصوص مادری استفاده کنند؟ آیا دولت برنامه‌های ویژه برای مادران دارد؟ در یک چشم‌انداز وسیع‌تر، باید در برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مادرانگی در اولویت قرار بگیرد. شاید ساده‌ترین و رایج‌ترین راهکارها برای تغییر باورهای اجتماعی از مادرانگی که آن را در مقوله ایثار، فداکاری، از خودگذشتگی و



زنان چرا داستان می‌خوانند؟

هدی جاودانی
مترجم



زنان بیش از مردان داستان می‌خوانند، واقعیتی که جهان آن را به رسمیت شناخته است. هلن تیلور در ابتدای کتاب خود، «چرا زنان داستان می‌خوانند: داستان‌هایی از زندگی ما»، می‌گوید که در بریتانیا، آمریکا و کانادا، زنان ۸۰ درصد از فروش آثار داستانی را به خود اختصاص داده‌اند. زنان بیش از مردان به عضویت کتابخانه‌ها و انجمن‌های کتاب درمی‌آیند. زنان اکثریت مخاطبان رویدادهای ادبی و کتاب‌فروشی‌ها را تشکیل می‌دهند. آن‌ها بیشتر به کتاب‌های صوتی گوش می‌دهند و بیشتر در کلاس‌های فوق برنامه ادبی شرکت می‌کنند، و البته بیشتر وبلاگ‌نویسان ادبی زن هستند. هلن تیلور، پروفیسور بازنشسته‌ی زنان و ادبیات انگلیسی دانشگاه کستر و نویسنده کتاب، برای پاسخ به پرسش محوری خود، با تعدادی از زنان نویسنده و کارشناس در حوزه نشر و رسانه، مصاحبه‌های مفصلی را ترتیب می‌دهد. او هم چنین، پرسش‌نامه‌ای حاوی ۳۹ سؤال تنظیم می‌کند و در قالبی غیررسمی برای همه زنانی که می‌شناخته است، ارسال می‌کند. در نهایت حدود ۴۲۸ نفر به این پرسش‌نامه پاسخ می‌دهند. تیلور ابتدا از میان پاسخ‌ها ۲ الگوی مطالعه کشف می‌کند: عمودی و افقی. در الگوی عمودی، مطالعه در نگاه زنان امری منظم، با قاعده، متعارف، پذیرفته‌شده و اثربخش تلقی می‌شود اما در الگوی افقی، مطالعه برای زنان فعلی بدون مجوز، خصوصی، از روی فراغت، شرم‌آور، بی‌قاعده و عصبانگر به نظر می‌آید. علاوه بر این، در میان زنان‌های محبوب این زنان، نام ۲ رمان مشهور «غرور و تعصب» و «جین ایر» بیش از دیگر آثار به چشم می‌خورد. در مواجهه با نام این رمان‌ها، بازه سنی نامشخص زنان شرکت‌کننده در پژوهش تیلور به چشم می‌آید زیرا به نظر می‌رسید این زنان هم‌چنان درگیر کلیشه‌های منسوخ‌شده نقش‌های جنسیتی بودند و برخی نیز به این مسئله اذعان داشتند که در گذشته زنان داستان می‌خوانند، اما آن‌ها را به چشم سوار بر راه رسمیت شناخته است. هلن تیلور در ابتدای کتاب خود، «چرا زنان داستان می‌خوانند: داستان‌هایی از زندگی ما»، می‌گوید که در بریتانیا، آمریکا و کانادا، زنان ۸۰ درصد از فروش آثار داستانی را به خود اختصاص داده‌اند. زنان بیش از مردان به عضویت کتابخانه‌ها و انجمن‌های کتاب درمی‌آیند. زنان اکثریت مخاطبان رویدادهای ادبی و کتاب‌فروشی‌ها را تشکیل می‌دهند. آن‌ها بیشتر به کتاب‌های صوتی گوش می‌دهند و بیشتر در کلاس‌های فوق برنامه ادبی شرکت می‌کنند، و البته بیشتر وبلاگ‌نویسان ادبی زن هستند. هلن تیلور، پروفیسور بازنشسته‌ی زنان و ادبیات انگلیسی دانشگاه کستر و نویسنده کتاب، برای پاسخ به پرسش محوری خود، با تعدادی از زنان نویسنده و کارشناس در حوزه نشر و رسانه، مصاحبه‌های مفصلی را ترتیب می‌دهد. او هم چنین، پرسش‌نامه‌ای حاوی ۳۹ سؤال تنظیم می‌کند و در قالبی غیررسمی برای همه زنانی که می‌شناخته است، ارسال می‌کند. در نهایت حدود ۴۲۸ نفر به این پرسش‌نامه پاسخ می‌دهند. تیلور ابتدا از میان پاسخ‌ها ۲ الگوی مطالعه کشف می‌کند: عمودی و افقی. در الگوی عمودی، مطالعه در نگاه زنان امری منظم، با قاعده، متعارف، پذیرفته‌شده و اثربخش تلقی می‌شود اما در الگوی افقی، مطالعه برای زنان فعلی بدون مجوز، خصوصی، از روی فراغت، شرم‌آور، بی‌قاعده و عصبانگر به نظر می‌آید. علاوه بر این، در میان زنان‌های محبوب این زنان، نام ۲ رمان مشهور «غرور و تعصب» و «جین ایر» بیش از دیگر آثار به چشم می‌خورد. در مواجهه با نام این رمان‌ها، بازه سنی نامشخص زنان شرکت‌کننده در پژوهش تیلور به چشم می‌آید زیرا به نظر می‌رسید این زنان هم‌چنان درگیر کلیشه‌های منسوخ‌شده نقش‌های جنسیتی بودند و برخی نیز به این مسئله اذعان داشتند

فاطمه خلخالی استاد
روزنامه‌نگار



حرف‌های تکراریات همیشه تازه است

بین ما گفت‌وگوهای تکراری زیادی هست که هر روز و شب به هم می‌گوییم، بی‌آنکه کلمات این‌ور و آن‌ور شود یا سعی کنیم این‌بار طوری به زبان بیاریم که حرفی تازه به نظر برسد. قبل از اینکه سرکله کرونا پیدا شود و دورکار شوم، شب‌ها که ناهار فردا می‌توی طرف می‌ریختم و آماده می‌کردم، می‌گفت: «این که که که، بیشتر بریز.» می‌گفتم: «نه بابا! زیاد هم هست.» می‌گفت: «بیشتر بریز. به یکی دو تا همکار تعارف می‌کنی.» می‌گفتم: «همکارم خودشون ناهار می‌آرن.» می‌گفتم: «اسراف می‌شه.» می‌گفتم: «جمعه که با من هم مسیری می‌شد تا به حرم برود، وقتی جلو دفتر روزنامه می‌رسیدم می‌گفت: «همین‌جانه‌دار. خودم می‌رم، دیرت می‌شه.» می‌گفتم: «طول نمی‌کشه.» اون روز میدون نگه می‌دارم.» به آن طرف میدان که می‌رسیدیم و من می‌انداختم توی خیابان شیرازی، می‌گفت: «بذار پیاده برم، پاهام کمی ورزش کنه.» می‌گفتم: «برگشتنی پیاده بیا.» صبح روزهای پنجشنبه وقتی با بوی ناهار ظهر بیدار می‌شدم، می‌گفت: «بیدارت کردم با سروصدا. یک روز تعطیل نذاشتم بخوابی.» می‌گفتم: «نه بابا! دیگه می‌خواستیم بیدار بشم.» هرشب که طرف‌های شام را می‌شویم، بالای سرم می‌آید و می‌گوید: «قالبه‌ها رو دیگه بذار خودم می‌شورم.» می‌گویم: «چیزی نیست.» می‌گفتم: «من که قبل از غذا چی نمی‌خورم.» هرروز صبح که می‌خواهم بروم سرکار، تا جلو در می‌آید و می‌گوید: «خدا پشت و پناحت، دست

تاج ماه بیگم بانویی از تبار فرزنانگان

نگاهی به زندگی مهم‌ترین واقف نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی



امید حسینی یزدانی
نسخه‌نویس و روزنامه‌نگار

وقف سنت حسنه‌ای است که از دیرباز به اشکال گوناگون در تاریخ بشر وجود داشته و اسلام آن را در مسیری روشن، منطقی، هدف‌دار، مترقی و دقیق نهاد است. صدقات جاریه به‌ویژه وقف یکی از بهترین و مؤثرترین شیوه‌های انفاق است که موجب می‌شود آثار و خیرات بخشش مال و کمک به مردم به‌ویژه محرومان و نیازمندان همیشه شامل حال واقف شود و از بهره‌های معنوی و اخروی آن سود برد. در میان انواع روش‌ها و شیوه‌های انفاق و بخشش و خرج مال در راه خداوند، شیوه‌ای به اندازه وقف حائز خیر و برکت بسیار و همیشگی برای واقف و مردم نیست. بررسی تاریخچه وقف در اسلام نشان می‌دهد در طول دوره‌های تاریخی، واقفان متعدد املاک را بر مدارس علوم دینی و وقف می‌کردند به گونه‌ای که مدارس مهمی همچون مدارس نظامیه در بغداد، مدرسه بیهقیه و سعیدیه به نیشابور و مدرسه الفاضلیه در قاهره که از مدارس مهم و معتبر جهان اسلام بودند و در ترویج فرهنگ و علوم اسلامی در جهان اسلام نقش مؤثری ایفا کردند به کمک در آمد موقوفات اداره می‌شدند.

وقف نسخه‌های خطی

نسخه‌های خطی مهم‌ترین منابع فرهنگ، تاریخ و اندیشه بشری است که بررسی همه‌جانبه آن‌ها به‌خصوص در ایران اسلامی که سهم بیشتری از این میراث را دارد بایسته‌تر به نظر می‌رسد. وقف‌نامه‌های ثبت شده روی نسخه‌های خطی که شمارشان کم نیست از منابع اصیل تاریخی است که کمتر مورد مطالعه و بررسی تحلیلی قرار گرفته است.

وقف قرآن بر مساجد و آرامگاه‌ها از رایج‌ترین انواع وقف است که فی سبیل... و یا نیت تقرب به خداوند متعال و طلب رضا و آمزش او برای تلاوت قاریان کلام... می‌جسد و بهره‌مندی احیا و اموات از اجر و ثواب دنیوی و اخروی انجام می‌شود. این سنت خاصه در ایران در طول تاریخ حیات درخشان اسلامی‌اش رایج و متداول بوده است. یکی از مهم‌ترین نقایس گنجینه نسخ خطی آستان قدس جزوه‌ای قرآنی است که توسط والی اصفهان، کنشواد بن املاس، از ارادتمندان اهل بیت^ع در سال ۳۲۷ هجری قمری وقف این کتابخانه شده است. این نسخه نفیس قدیمی‌ترین اثر مکتوب این گنجینه است. کنشواد بن املاس یک دوره جزوه قرآنی را وقف بقعه منوره رضویه کرده است که ۳ جزوه آن در مرکز نسخ خطی گنجینه رضوی موجود است و وقف‌نامه آن به خط زیبای امین هنرمند خوش‌نویس است. این نسخه از حیث کتابت و آرایه‌های هنری بی‌همتاست و از عمر آن تا کنون ۱۱۱۴ سال گذشته است.

واقفان زن در کتابخانه آستان قدس رضوی

در میان نام‌های واقفان گنجینه نفیس آستان قدس رضوی، نام زنانی که نسخه‌های خطی را به این کتابخانه وقف کرده‌اند دیده می‌شود. یکی از این افراد «تاجماه بیگم» دختر میرزا عیسی قائم‌مقام مشهور به سید الوزراست. میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ قائم‌مقام اول از سادات حسینی پسر میرزا حسن پسر میرزا عیسی فراهانی اهل هرازه فراهان است. او معروف به سید الوزرا و وزیر

آذربایجان بود. خاندان قائم‌مقام از دوران صفویه و زندیه در کار دیوان و سیاست بودند و از ملاکین بزرگ مملکت به شمار می‌رفتند. فرزند دیگر وی میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی صدراعظم ایران در دوره محمدشاه قاجار بود. میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی اول (میرزا بزرگ) که در ذی‌الحجه ۱۲۳۷ هجری قمری در تبریز وفات یافته و در امامزاده حمزه تبریز مدفون است دارای دو همسر بود. یکی همسری آذربایجانی بود که از او میرزا موسی‌خان و تاج‌ماه بیگم متولد شدند. میرزا موسی که تولیت آستان قدس را عهده‌دار بود، در ۱۲۶۲ هجری قمری در مشهد وفات یافت و تاج‌ماه بیگم، مشهور به حاجیه عمه، همسر شاهزاده ملک قاسم میرزا، فرزند فتحعلی شاه، بود. تاج‌ماه بیگم به همراه برادر خود، میرزا موسی‌خان، که در دوره‌ای تولیت آستان قدس رضوی برعهده او بود، وقف‌های مهمی در شهر مشهد داشتند. اسناد این وقف‌نامه‌ها در کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی موجود است. حاج میرزا موسی‌خان، فرزند میرزا عیسی قائم‌مقام اول، برادر کوچک‌تر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام ثانی و داماد فتحعلی شاه بود که در سال ۱۲۲۰ قمری متولد شد. پس از مرگ پدر در سال ۱۲۳۷ قمری که میرزا ابوالقاسم سمت قائم‌مقامی محمدشاه را یافت، وزارت عباس میرزا نیز به میرزا موسی واگذار شد. او واقف موقوفات تبریز و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی بوده است. حاج میرزا موسی‌خان یکی از بهترین متولی‌بانی‌های آستان قدس رضوی بوده و در مدت ۴ سال تولیت خود اصلاحات زیادی در اداره امور موقوفات آستان قدس انجام داده است.

تاج‌ماه بیگم کیست؟

در فرهنگ مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی درباره او چنین آمده است: «وفات ۱۲۸۲، از زنان نیکوکار، وی دختر میرزا عیسی قائم‌مقام و خواهر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام (۱۱۹۲-۱۲۵۱ قمری) صدراعظم مقتول محمدشاه



فاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ قمری) بود. آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، او را از مهم‌ترین وقف‌کنندگان کتاب به کتابخانه آستان قدس رضوی معرفی کرده است. «القابی مانند «خدارت و طهارت دستگاه»، «علی‌جاه»، «فاطمه زمان» و «خدیجه دوران» که در این وقف‌نامه‌ها به حاجیه‌خانم داده شده، بیانگر مرتبت والای اوست. او زنی عفیف، مدیر و وجیه بوده و همه موقوفاتش از پدرش، قائم‌مقام بزرگ، به او ارث رسیده بوده است. موقوفات یادشده بعد از مرگ آندوه‌بار برادرش، میرزا موسی‌خان، انجام شده و می‌توان گفت ترس از حذف شدن، افتادن در دام دسته‌بندی‌های سیاسی و غصب و حیف و میل شدن املاک و نیز از دست دادن پشتیبانی خانوادگی باعث تأسیس این نهاد‌های وقفی شده است. تاج‌ماه بیگم برای ایمنی بخشیدن به مالکیت خصوصی خود و در عین حال داشتن قدرت و فرصت بیشتر در تملک و اداره املاک، به انجام این وقف اقدام کرده است. او و برادرش، موسی‌خان، املاک و مستغلات و نسخه‌های خطی را نیز وقف آستانه مقدسه رضویه کرده‌اند که از جمله آن‌ها ۲ رشته فئات و چند نهر فیض آثار بوده است. تاج‌ماه بیگم به سال ۱۲۸۲ درگذشت و در حرم مطهر رضوی در رواق پشت سر در کنار موسی‌خان مدفون شد.

وقف ۱۴۰ نسخه خطی به کتابخانه آستان قدس

تاج‌ماه بیگم در شعبان ۱۲۶۲ قمری کتاب‌های برادرش، موسی‌خان، را وقف کتابخانه سرکار فیض آثار کرده است. در وقف‌نامه حاضر شمار ۱۴۰ مجلد کتاب وقف کتابخانه آستانه رضویه شده است. برخی تذکره‌نویسان شمار کتاب‌هایی را که وی وقف کتابخانه آستانه کرده است بسیار دانسته‌اند.

وقف‌نامه حاضر در حاشیه برگ اول نسخه خطی کتاب شرح تجرید الاعتقاد به شماره ۱۶۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی قرار دارد.

متن وقفنامه هو الواقف علی الضمائر وقف مؤید و حبس مخلص شرعی نمودند- تقریباً الی... و طلبا لمرضاة- علیاجانب، طهارت خدارت انساب، قمرنقاب، خورشیداحتجاب، بلقیس زمان و مریم عهد و اوان، فخر المستورات المعظمه، عمدة المخدرات المحترمه، پرده‌نشین سראقات عزت و جلال، خلوت‌گزین جمال سعادت و اقبال، طائفة بیت... و زائرة الرکن و المقام، السیدة الجلیلة المکرمة، حاجیه تاجمده بیگم- دامت ایام اقتدارها- به این جلد کتاب شرح تجرید را به انضمام یکصد و چهل جلد دیگر کتب موروثی سرکار خلدآشیان، فردوس مکان، برادر افخم خود، حاجی میرزا موسی‌خان- طاب سره- را که در حال حیات منظور نظر آن جناب غفران مآب، مرحوم مسرور و مقبوت کتب مزبوره بر آن مسطوره می‌برد. لهدا حسب‌المظنور، جناب مرحوم بر سرکار فیض آثار السید المعصوم و الامام المظلوم، الشهدید المسموم و الغریب المغصوم، عالم علم المکتوم، بدرالنجوم، شمس الشموس و انیس النفوس، المدفون بأرض طوس، الرضا المرتضی‌المجتبی، امام‌الجن والانس علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحية و الثناء. تولیت موقوفه: و تولیت کتاب مزبور را با باقی کتب موقوفه مفوض داشتند در هر عصری از اعصار به متولی شرعی سرکار فیض آثار که کتاب مزبور را در کتابخانه مبارکه به کتابدار سرکار فیض آثار بسپارند که ضبط نماید و هر یک از علما و فضلا و مدرسین و طلاب ارض فیض قرین که محتاج به مطالعه و ملاحظه آن باشند و متولی شرعی مطمئن از عدم تضییع و تفریط و خروج از ارض اقدس باشد، قبض رسید سه‌ماهه اخذ و کتاب مزبور را تسلیم نماید، و اگر زیاده احتیاج داشته باشد، تجدید نظر و نهایت اهتمام به عمل آورند. و جناب واقفه معظم‌الیها اعیان موقوفه را از تصرف خود اخراج و به تصرف وقف واگذشت، و صیغه وقف به شروط مرقومه جاری شد: «فَمَنْ يَدَّلُهُ يُدْعَى سَمِعَهُ فَأَيَّمَا اِئْمَةً عَلَى الدِّينِ يُبَدِّلُونَهُ» [صار] واقفا صحیحا صریحا شرعیاً بحیث لا یباع ولا یوهب ولا یرهن فی شهر شعبان المعظم من شهر سنه ۱۲۶۲.

تاج‌ماه بیگم در شعبان ۱۲۶۲ قمری کتاب‌های برادرش موسی‌خان، را وقف کتابخانه سرکار فیض آثار کرده است. در وقف‌نامه حاضر شمار ۱۴۰ مجلد کتاب وقف کتابخانه آستانه رضویه شده است. برخی تذکره‌نویسان شمار کتاب‌هایی را که وی وقف کتابخانه آستانه کرده است بسیار دانسته‌اند.

تاج‌ماه بیگم در شعبان ۱۲۶۲ قمری کتاب‌های برادرش، موسی‌خان، را وقف کتابخانه سرکار فیض آثار کرده است. در وقف‌نامه حاضر شمار ۱۴۰ مجلد کتاب وقف کتابخانه آستانه رضویه شده است. برخی تذکره‌نویسان شمار کتاب‌هایی را که وی وقف کتابخانه آستانه کرده است بسیار دانسته‌اند.

تاج‌ماه بیگم در شعبان ۱۲۶۲ قمری کتاب‌های برادرش، موسی‌خان، را وقف کتابخانه سرکار فیض آثار کرده است. در وقف‌نامه حاضر شمار ۱۴۰ مجلد کتاب وقف کتابخانه آستانه رضویه شده است. برخی تذکره‌نویسان شمار کتاب‌هایی را که وی وقف کتابخانه آستانه کرده است بسیار دانسته‌اند.

تاج‌ماه بیگم در شعبان ۱۲۶۲ قمری کتاب‌های برادرش، موسی‌خان، را وقف کتابخانه سرکار فیض آثار کرده است. در وقف‌نامه حاضر شمار ۱۴۰ مجلد کتاب وقف کتابخانه آستانه رضویه شده است. برخی تذکره‌نویسان شمار کتاب‌هایی را که وی وقف کتابخانه آستانه کرده است بسیار دانسته‌اند.

مقاومت زنان و نواحی ماندگار شمال خراسان



غلامرضا آذری خاکسار
گرمسوز و پژوهشگر



نواحی محلی که توسط بخشی‌ها و هنرمندان شمال خراسان حفظ و صیانت شده، در بردارنده مقام‌ها و نغمه‌هایی است که بر مبنای اشور و عرفان پایه‌گذاری شده است. این موسیقی از گذشته تا کنون برخاسته از سبک زندگی باورهای فرهنگی مردم آن خطه و به طرز سنتی صیانت و منتقل شده است. یکی از ویژگی‌های کلام در نواحی شمال خراسان، بیان داستان‌های مختلف و نگاه پندآمیز وقایع زندگی مردم و به‌ویژه مقاومت زنان در شرایط سخت است که در این منطقه جغرافیایی با آن روبه‌رو بوده‌اند. نواحی ماندگار در شمال خراسان در کنار برداشت هنری در مسائل اجتماعی نیز تأثیرگذار هستند. آهنگ نیز همچون شعر توصیفی گاهی چنان سوز به پا می‌کند که مخاطب را حیران و گاهی حس و حال وطن‌پرستی‌اش را هویدا می‌کند. بنابراین راز ماندگاری این نواحی را باید در مردمی بودن آن‌ها دانست. تاکنون درباره تاریخ پیدایش این نواحی در شمال خراسان برخی پژوهشگران همچون استاد کلیم... توحید پیشگام شده‌اند. توحید پژوهش «هزار و یک شب» را که در برگزیده فلسفه شعر و موسیقی کرمانج خراسان است تألیف و به صورت مفصل کار کرده است.

فلسفه وجودی هر آهنگ با تاریخ و وقایع آن نیز در هم آمیخته است. به قولی، در خراسان و برخی نواحی ایران پس از هجوم بیگانگان و کشتار و انباشت اجساد زنان سرودی به نام «انارکی» می‌خواندند. زنان دور اجساد جمع می‌شدند و نار می‌زدند و گریه می‌کردند. یاد در... «مزار» دختری بعد از مشاهده اجساد کشته‌شدگان بسیار پیدا نکردن یارش در جست‌وجوی مزار او «...مزار» خوانده است.

دکتر یوسف متولی حقیقی طی مقالاتی به فلسفه آهنگ‌های شمال خراسان پرداخته است. از میان آهنگ‌های باقی‌مانده می‌توان به «خجه‌لوره»، «پری جان»، «لی‌باره»، «...مزار»، «مرجان»، دختر کرد»، «فاطمه جان»، «نه‌خانم»، «کرم‌اصل خان»، «زهره» و «طاهر و سکینه» اشاره کرد. نواحی و اشعار ماندگاری طی سال‌های متمادی در شمال خراسان را می‌توان در ۲ محور مورد تحلیل کرد: نخست نواحی که محتوای رزمی و ملی دارند که با سوز و گداز همراه‌اند. دوم آن‌ها در بردارنده عشق‌های نافرجام و یک‌طرفه و حتی همراه با ظلم بوده‌اند. به طور کلی آهنگ‌های «...مزار» و «لی‌باره» در ردیف نواحی سوزناک هستند که روایت آن‌ها تا اندازه‌ای با هم

سنخیت دارد. «لی‌باره» داستان دلدادگی بهمین و گلنار است. درواسط دوره قاجار طی تهاجمی به کرده‌های مناطق شمال خراسان تعدادی از زنان و کودکان به اسارت می‌روند. گلنار نیز در این شبیخون اسیر می‌شود. پس از آن، بهمین در جست‌وجوی گلنار دیوانه‌وار آواره کوه و بیابان شد و سرنوشت گلنار در آن سوی مرزها در بازارهای برده‌فروشی رقم خورد. پس از این رویداد، روایتی از این واقعه تلخ در بین بخشی‌ها و نوازندگان ایجاد شده که در آهنگی عاشقانه با عنوان «لی‌باره» تجلی پیدا کرده است، نواحی که حکایت از ظلم و از طرفی ایستادگی زنان و مقاومت در برابر تجاوز بیگانگان به این خطه جغرافیایی دارد.

شهربانو

لزوم حضور زنان در شرکت‌های دانش‌بنیان

منصور غلامی، وزیر علوم گفت: هدایت و توانمندسازی دختران باعث می‌شود جمعیت رابیش از پیش برای مشارکت‌ها در اختیار داشت. زنان می‌توانند در حوزه‌های فناوری، مشاغل مبتنی بر دانش، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، برنامه‌ها را پیش از پیش گسترش دهند. شاید هم‌اکنون تعداد شرکت‌های نوآوری که از سوی زنان در حوزه‌های دانش‌بنیان تشکیل شده‌اند بسیار نباشد اما زنان از لحاظ جمعیتی حضور خوبی در این حوزه دارند.



۲۳ شهریور
۳ آذر ۱۳۹۹
۷ ریح‌الهی ۱۴۴۲ شماره ۲۳۵۶

لید فیلم «چرنوبیل» را دیده‌اید. آن هم روایتی بود از آن حادثه سهمگین، اما روایت خانم الکسیویچ به واقعیت روزگار چرنوبیل نزدیک‌تر است چون از دل مردم و شاهدان عینی بیرون آمده است، از دل حقیقت.



نیایش چرنوبیل

• نویسنده: سولانا الکساندرونا الکسیویچ
• ترجمه: الهام کامرانی

نویسنده سوئدی، خانم الکسیویچ تاریخ احساسات انسانی را روایت می‌کند، تاریخ روح را، نویسنده‌ای که از جنگ بیزار است. می‌داند برای پایان یافتن جنگ باید چهره زشت آن را بارها و بارها به نمایش گذاشت. او در سال ۲۰۱۵ برای تلاش هایش در این زمینه نوبل ادبی دریافت کرد. کتاب دیگر او به نام «نیایش چرنوبیل، رویدادنامه آینده» شبیه کتاب قبلی‌اش برگرفته از مصاحبه‌های بسیاری است با آدم‌هایی که در جریان حادثه چرنوبیل حضور داشته‌اند: از آتش‌نشانان تا دانشمندان هسته‌ای و زنان خانه‌دار و معلمان تاریخ. او اعتقاد دارد این انفجار مهیب روح انسانی را سوزاند. کتاب اگرچه پر از خاطرات دردناک از مرگ، زنج، خون‌ریزی، آشفتنگی، اضطراب و روزهای تلخ تاریخ مردم است، در واقع این اثر در ستایش زندگی است، در ستایش زندگی عادی بدون جنگ، درباره آدم‌هایی که نمی‌خواهند درگیر جنگ شوند. نه برای نفت، نه برای توسعه کشور یا هیچ چیز دیگری، آن‌ها نمی‌خواهند در مقابل انسان‌های دیگر بیایستند، آدم‌هایی که می‌خواهند عشق بورزند و زندگی کنند. خانم الکسیویچ درباره شرایط خودش و جامعه خودش می‌نویسد: اما یا در جنگ بودیم یا برای جنگ آماده می‌شدیم. در هر صورت هیچ‌گاه زندگی نکردیم. ما حتی به چیزی شک نمی‌کردیم. همان قدر که ما مردمان جنگ هستیم، قهرمان‌های ما، ایده‌آل‌های ما و تصورات ما از زندگی نظامی بودند. همه مادر دهه ۹۰ این تصور را داشتیم که آزادی از جایی به دست خواهد آمد اما در واقع، برای آزادی به مردمان آزاد احتیاج داریم. این مردم آزاد نیستند.»

شهرزاد

الهام یوسفی

فعال فرهنگی



راوی تاریخ روح انسانی

نگاهی به کتاب «نیایش چرنوبیل»

شاید اگر ۲ سال پیش به ما می‌گفتند قرار است به‌زودی یک بیماری واگیر عجیب و غریب در همه دنیا بخش شود و همه آدم‌ها مجبور باشند با ماسک‌های روی صورتشان این‌ور و آن‌ور بروند و از یکدیگر دوری کنند، هیچ کدام باورمان نمی‌شد این کابوس روزی به حقیقت بپیوندد. ما بعد از عبور از چنین تجربه‌ای آدم‌های دیگری خواهیم بود. اما عجیب‌تر و دردناک‌تر از این ماجرا هم در تاریخ بسیار است. شاید اگر تاریخ نخوانده باشیم، گمان کنیم بخت‌گرفته‌ترین آدم‌های زمین هستیم اما اگر اندکی از تاریخ بدانیم، می‌فهمیم رویدادهای دردناک بسیاری زندگی بسیاری از آدم‌ها را با تجربیات سخت و سه‌مناک همراه کرده است. یکی از این وقایع که تا دلتان بخوهد در تاریخ زیاد است و متمدن شدن بشر هم نتوانسته است جلوان را بگیرد «جنگ» است. هنوز هم تلویزیون این جنگ‌ها را گزارش می‌کند و تصاویر آوارگی انسان‌ها را به نمایش می‌گذارد. اما کتاب‌ها چه می‌گویند؟ شاید نام کتاب «جنگ چهره زنانه ندارد» را شنیده باشید. نویسنده این کتاب، خانم سولانا الکساندرونا الکسیویچ، به جای نوشتن یک قصه، به سراغ سبک جدیدی از تاریخ‌نگاری رفته است. آنچه او می‌نویسد نه یک روایت خشک و رسمی از رویدادهای جنگی است و نه یک قصه بیرون‌آمده از تخیل. او برای نوشتن یک کتاب سال‌های طولانی وقت می‌گذارد. صدها آدم را می‌بیند. با آن‌ها به گفت‌وگویی نشیند. خاطرانشان را پیاده می‌کند. یادداشت‌برداری می‌کند و از این پروژه پر از زنج، کتابی عجیب بیرون می‌آورد که تصویرگر جهان مردم عادی دردمند و آسیب‌دیده از جنگ است، جنگی که سیاست‌مداران راه می‌اندازند. به قول یک